



محیط زیست به مثابه اثر هنری برای کودکان

مطالعه و بررسی آموزش محیط زیست
بر پایه هنر محیطی در فنلاند

تألیف:

فائزه السادات حسنی حلم

زیر نظر:

دکتر هادی ربیعی

سرشناسه	حسنى حلم، فائزه السادات، ۱۳۶۵
عنوان و نام پديدآور	محيط زيست به متابه اثر هنرى براى كودكان : مطالعه و بررسى آموزش محيط زيست بر پايه هنر محيطى در فنلاند/ تاليف فائزه السادات حسنى حلم؛ زير نظر هادى ربيعى.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه هنر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهرى	۱۷۶ ص.: مصور، جدول.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۵۱۳-۵۴-۶
وضعيت فهرست‌نويسى	فيا
يادداشت	کتابنامه: ص. ۱۵۱.
عنوان ديگر	مطالعه و بررسى آموزش محيط زيست بر پايه هنر محيطى در فنلاند.
موضوع	محيط زيست و كودكان -- فنلاند Children and the environment -- Finland
شناسه افزوده	ربيعى، هادى، ۱۳۵۶
شناسه افزوده	دانشگاه هنر
رده‌بندي كنگره	۹/HQ۷۶۷
رده‌بندي ديويى	۲۳۱.۰۹۴۸/۳۰۵
شماره كتابشناسى ملي	۸۵۳۴۸۳۵
اطلاعات ركورد كتابشناسى	فيا

نام كتاب	محيط زيست به متابه اثر هنرى براى كودكان
تأليف	فائزه السادات حسنى حلم
زير نظر	دكتور هادى ربيعى
طراح يونيفرم جلد و صفحات	رامين حكيمى آرا / على عبدى
صفحه آرا	رامين حكيمى آرا
چاپ اول	۱۴۰۰
بها	۳۲۰۰۰ ريال
شمارگان	۱۰۰ نسخه
قطع	وزيرى
شابک	ISBN: 978-600-6513-54-6 ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۱۳-۵۴-۶



ناشر

تهران، خيابان حافظ، خيابان شهيد سهرنگ سخاىي،
بعد از تقاطع ۳۰ تير، شماره ۵۶

تلفن: ۵۶۸۲۰۷۲ ۶۶ (۰۲۱)

*** کليه حقوق براى ناشر محفوظ است.

*** مسئوليت مطالب به عهده نويسنده است و
لزوماً ديدگاه‌هاى دانشگاه هنر را منعكس نهي‌كند.

فهرست مطالب

فصل اول: آموزش محیط زیست

--- محیط زیست	۳
--- آگاهی بخشی؛ حیات بخش محیط زیست	۵
--- ضرورت آموزش محیط زیست	۸
--- کودکان، پیشروان حفاظت از محیط زیست	۹
--- راهکارهای بهبود در روش های آموزش محیط زیست	۱۴
--- موانع آموزش های زیست محیطی برای کودکان	۱۵
--- چالش بقای بشر و حفاظت از محیط زیست	۱۵
--- سیاست های آموزش محیط زیست به کودکان	۱۶
--- حفاظت و صیانت از محیط زیست، ضرورتی اجتناب ناپذیر	۱۷
--- اهداف آموزش حفاظت از محیط زیست	۱۸
--- جنبش های محیط زیست	۱۹
--- محیط زیست در ایران	۲۱
--- طبیعت به مثابه اثر هنری	۲۲
--- دانش، نگرش، مهارت های رفتاری؛ سه گانه سواد زیست محیطی	۲۴
--- اخلاق زیست محیطی: تعهدی متضمن حیات طبیعت	۲۷
--- کودکان؛ متعهدان آینده به محیط زیست	۳۰
--- اقتصاد سبز، مانعی برای بهره کشی از طبیعت	۳۲
--- کودکان محروم از طبیعت در سیطره نظام سرمایه داری	۳۴

فصل دوم: کودک و طبیعت

--- بیوفیلیا؛ «تمایل و حرکت به سوی طبیعت»	۳۹
--- نسل نو؛ کودکانی نیازمند حق زیستن در طبیعت	۴۳
--- اختلال فقر طبیعت؛ تراژدی جهانی کودکان	۴۷
--- اختلال فقر طبیعت	۴۷

--- فراموشی نسلی زیست محیطی	۴۸
--- تأثیر شگرف تعامل با طبیعت برای کودکان در دنیای مدرن	۴۹
--- بررسی چگونگی روش های ارتباطی کودک با طبیعت	۵۲
--- مقایسه بین فرهنگی فهم کودک از طبیعت	۵۴
--- رد پای فقدان طبیعت در اختلال رشد کودکان	۵۵
--- تأثیر طبیعت بر عرصه های شش گانه رشد کودکان	۵۶
--- طبیعت، چاره فراموش شده در سلامت روانی کودکان معاصر	۵۷
--- مأمنی شفاف بخش به نام طبیعت برای درمان کودکان دچار اختلال بیش فعالی	۵۸
--- هنر محیطی؛ فرصتی برای رشد تخیل	۶۱
--- و پرورش احساس در کودک	۶۱

فصل سوم: هنر محیطی؛ فرصتی برای رشد تخیل و پرورش احساس در کودک

--- رشد جامع کودکان؛ ضرورت جامعه امروز	۶۳
--- هنر، زیان زیستن انسان	۶۶
--- پرواز خیال کودک با واسطه گری هنر	۶۸
--- نقش هنر در رشد و پرورش ابعاد مختلف شخصیت کودک	۷۰
--- آموزش هنر با رویکرد حل مسأله در کودک	۷۱
--- اصول آموزشی جدید در آموزش هنر به کودک	۷۳
--- هنر ابزاری برای بهبود نابسمانی های روحی در کودکان	۷۳
--- هنر؛ چشمی برای نگرستن کودکان به جهان	۷۳
--- هنر محیطی، هنری در خدمت طبیعت	۷۵
--- انواع گرایش ها در هنر محیطی	۷۹
--- اکو آرت	۷۹
--- اکولوژیکال آرت	۷۹
--- هنر خلا قانه بوم شناختی	۷۹
--- هنر ترمیمی	۸۰
--- هنر زمین	۸۰
--- هنر در طبیعت	۸۰
--- تقسیم بندی چهارگانه هنر محیطی در سایت موزه سبز	۸۰
--- هنرمندان محیطی	۸۱
--- هنر محیطی در ایران	۸۳
--- رابطه هنر محیطی و آموزش محیط زیست	۸۳
--- قابلیت های هنر محیطی در آموزش های زیست محیطی به کودکان	۸۶
--- تأثیر هنر محیطی و آفرینش های هنری در طبیعت بر کودک	۸۶

فصل چهارم: پیوند هنر محیطی و محیط زیست

--- آفرینش‌گری هنری؛ زبانی برای بیان لایه‌های پنهان طبیعت	۸۹
--- آموزش محیط زیست بر پایه هنر محیطی	۹۶
--- واسطه‌گری هنر؛ لازمه آموزش محیط زیست به کودکان	۱۰۰
--- مبانی تئوریک آموزش هنر محیط زیستی	۱۰۴
--- پیشینه مدارس زیست محیطی	۱۰۸
--- مقایسه تطبیقی الگوی مدارس طبیعت و الگوی مدارس رایج (سنتی)	۱۱۱
--- مدارس طبیعت در ایران	۱۱۱
--- معرفی چند مدرسه طبیعت در ایران	۱۱۴
--- مدرسه طبیعت «کاوی کنج»	۱۱۴
--- مدرسه طبیعت «باغ کودک»	۱۱۵
--- باغ هنر کودک گندم	۱۱۵

فصل پنجم: هنر زیست محیطی در فنلاند

--- فنلاند؛ خاستگاه آموزش محیط زیست بر پایه هنر محیطی	۱۱۹
--- فنلاند و اولین تلاش‌ها برای ورود هنر محیطی به آموزش‌های زیست محیطی	۱۲۰
--- معرفی گروه تحقیقات فنلاندی آموزش زیست محیطی مبتنی بر هنر محیطی	۱۲۱
--- انجمن بیوآرت فنلاند	۱۲۲
--- آرت بیو آرتیکا	۱۲۳
--- فعالیت‌های دیگر بیوآرت	۱۲۳
--- سمینارها و پروژه‌ها بر پایه هنر محیطی در فنلاند	۱۲۴
--- پروژه مشترک بین کودکان فنلاند و کنیا	۱۲۷
--- معرفی چند هنرمند زیست محیطی و شیوه کار آنها	۱۳۱
--- نتیجه‌گیری	۱۳۸
--- فهرست منابع	۱۵۱

تقديم به تمامی کودکان سرزمینم

پیشگفتارِ ناشر

انجام پایان‌نامه‌ی دانشجویی، از یک سو کارکردی آموزشی دارد و از سوی دیگر، فعالیتی در جهت تولید علم به حساب می‌آید. در این فعالیت است که دانشجو به ابزار و دانش پژوهشگری مجهز می‌شود و اگر این فعالیت بتواند لذت جست‌وجو و تیزفکری را - که از خصایص فطری انسان است - به دانشجو بچشاند احتمالاً بعدها نیز با او همراه خواهد بود.

در عین حال، هر پژوهش به مثابه‌ی آجری برای پژوهش‌های آتی است و در آن‌ها نه تنها پیشینه‌ی موضوع که حتی خود موضوع را می‌توان یافت. اگر پژوهشی به درستی صورت گرفته باشد در نتیجه‌گیری آن می‌توان پیشنهادهایی برای مطالعات بعدی یافت. با این حال، اغلب رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی در کنج خانه‌ها و گوشه‌ی کتابخانه‌ها خاک می‌خورند. هیچ‌کس به سراغشان نمی‌رود، حتی خود دانشجویی که با خون دل و با زحمت فراوان آن را فراهم آورده است.

به این ترتیب، انتشار رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها می‌تواند آن‌ها را از پیکره‌ای بی‌جان به موجودی زنده تبدیل کند؛ می‌تواند آن‌ها را از سیستمی بسته در خویش به سیستمی گشاده به روی دیگران و در تعامل با آنان بدل سازد؛ می‌تواند راه دیده شدن، شنیده شدن، نقد شدن، و ادامه یافتن را به روی آن‌ها بگشاید. در عین حال، مولف آثار و دیگر پژوهشگران را تشویق نماید که خط پژوهشی خویش را پی بگیرند. به علاوه، قرار گرفتن محتوای پایان‌نامه در معرض نقادی عمومی، دانشجو، استاد راهنما، استاد مشاور، داوران و مسئولین دیگر را نسبت به حفظ کیفیت کار خویش حساس‌تر می‌سازد.

با عنایت به این موارد، معاونت پژوهشی دانشگاه هنر تصمیم گرفت رساله‌ها و پایان‌نامه‌های برگزیده‌ی دانشجویان را در قالب «مجموعه‌ی کتاب - رساله» منتشر کند. فرایند تبدیل یک پایان‌نامه‌ی دانشجویی به کتاب همچون تبدیل آن به هر قالب دیگری یک کار عملی و علمی است. اما در این مجموعه تعمداً از دستکاری بنیانی

در قالب آثار اجتناب شد. همان‌طور که عنوانِ مجموعه نشان می‌دهد چاپ رساله‌ها در قالبی نزدیک به قالب اولیه‌ی آن، با هدفِ عرضه‌ی محتوا و فراهم آوردنِ زمینه برای نقد آن‌ها صورت گرفته است. طبیعی است که پیش از انتشار وسیع‌تر این آثار می‌توان از نقدهای دریافتی برای اصلاح و ارتقاء آن‌ها بهره گرفت. به این ترتیب، مولفان آثار و ناشر چشم‌انتظارِ نقدهای راهگشا و دیدگاه‌های ارزنده‌ی صاحب‌نظران خواهد ماند.

با آرزوی آنکه انتشار رساله‌ها در قالب کتاب الگویی برای فعالیت‌های آتی قرار گیرد و در ارتقای کیفی پژوهش‌های دانشگاهی نقش ایفا کند، از مجموعه‌ی کسانی که در تولیدِ این مجموعه مشارکت داشتند سپاسگزارم.

معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه هنر
دکتر داود رنجبران

مقدمه

امروزه کودکان و نوجوانان، زمان بسیاری از روز خود را، به استفاده از موبایل، رایانه، تلویزیون و رسانه‌های الکترونیکی سپری می‌کند.

ریچارد لوو، نویسنده کتاب «آخرین کودک جنگل» از نبود ارتباط بین کودکان و طبیعت صحبت می‌کند. او در این کتاب می‌نویسد که کودکان امروزی از «اختلال فقر طبیعت» رنج می‌برند، به‌طوری‌که آنها درگیر عدم تمرکز و کاهش حواس و احساسات و همچنین میزان بالاتری از بیماری‌های جسمی و عاطفی هستند. از یک نسل به بعد تعداد افرادی که به‌جای طبیعت، زمان طولانی‌تری را در دنیای مجازی گذرانده‌اند، افزایش یافت.

کودکان و نوجوانان امروزی فاقد هرگونه امکانات و مهارت کافی برای ارتباط شخصی خود با طبیعت هستند. در این شرایط به نظر می‌رسد مریان به‌شدت نیاز به راهکارهای ابتکاری برای بیدارسازی، هوشیارکردن، تغذیه حواس و احساسات کودکان نسبت به دنیای طبیعت دارند.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی گروهی از معلمان هنر در فنلاند با آگاهی از بحران محیط زیست شروع به بررسی این موضوع کردند که آیا هنر می‌تواند نقشی در جست‌وجوی راهکارهای جدید برای گسترش آموزش‌های زیست‌محیطی نه‌تنها برای کودکان بلکه برای بزرگسالان داشته باشد؟

مری هلگامانتره که اولین بار در سال ۱۹۹۲ میلادی اصطلاح «آموزش زیست‌محیطی مبتنی بر هنر» را مطرح کرد آن را نوعی رویکرد احساسی و عاطفی همراه با لذت شخصی و درک تازه از جهان طبیعت بیان کرد.

او می‌گوید هدف از این رویکرد گشودگی احساسات با روش‌های جدید و شخصی برای بیان و به‌اشتراک گذاشتن تجربیات زیست‌محیطی فردی است.

وقتی ما به دنبال ارتباط با جهان طبیعی در درجه اول از طریق هنر هستیم – نه با

دانش علمی از پیش تعیین شده - چه اتفاقی می افتد؟

هنر می تواند به طریق منحصر به فردی به هوشیار شدن و عمق بخشیدن به ادراکات ما کمک کرده و ما را در درک و پذیرش جهان پیرامون همراهی کند؛ به عبارتی آفرینشگری و فرآیند هنری به ما اجازه می دهد تا به طور غیرمستقیم با جهان پیرامون خود نزدیک شویم. همچنین ما را به مسیر پیش بینی نشده ای دعوت می کند و راه های عادی و مرسوم را کنار می گذارد و راه جدید را پیش می کشد، بنابراین فعالیت های هنری فرصتی برای دسترسی عمیق تر به ابعاد حسی و ادراکی، احساسی نمادین و خلاق در کودک فراهم می کند. در زمینه آموزش های مفاهیم و بایسته های محیط زیست، هنر می تواند فرصت هایی را فراهم کند که رویکردهای متداول و مرسوم فاقد آن هستند. در اواسط قرن ۱۹ میلادی، هنری دیوید سرو، طبیعت شناس آمریکایی، چنین عقیده ای داشت که اگر کسی می خواهد به درک واقعی از چیزی برسد باید سعی کند با آن به گونه ای برخورد کند که گویی برایش مفهومی جدید است و تنها زمانی به یادگیری جدید دست می یابیم که همه یادگیری های سابق را فراموش و شروع به دانستن مفاهیم جدید از دریچه و منظری نو کنیم. شما باید آنچه را که معمولاً دانش درباره آن ها می گوید رها کنید و آگاه باشید که هیچ چیز، همه ی آن چیزی نیست که شما تصور می کنید!

دقیقاً در اینجا است که آموزش محیط زیست مبتنی بر هنر محیطی می تواند سهم بزرگی داشته باشد. در واقع همان تسهیل «شروع به شناخت» به روش های جدید و هیجان انگیز که از تجربه کودکان شرکت کننده یا بزرگسالان نشئت می گیرد.

با آرزوی بهترین ها برای شما.

دکتر جان وان بواکل

استاد هنر و توسعه پایدار در دانشگاه هلسینکی فنلاند

و پژوهشگر مرکز تحقیقات هنر و جامعه

مقدمه مؤلف

در دنیای معاصر، بشر در لحظه حساسی از تاریخ حیات خود قرار دارد. بحران جهانی محیط زیست که امروزه با آن مواجه هستیم، ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است. از آنجائی که محیط زیست، بخش جدائی‌ناپذیر از حیات بشری بوده و حفاظت از آن یک مسئله جهانی است، آموزش، بنیادی‌ترین و اصولی‌ترین شیوه در جهت افزایش آگاهی‌های زیست‌محیطی به‌منظور ایجاد الگوی رفتاری مناسب با محیط زیست به‌شمار می‌رود.

انسان، بخشی از محیط زیست است و اکنون نیاز به افزایش آگاهی و ترویج سواد زیست‌محیطی میان افراد جامعه و توجه به نقش آن در ارتقای کیفیت و کمیت حیات انسان، بیش‌از پیش احساس می‌شود؛ چراکه آموزش، بنیادی‌ترین شیوه برای حفظ محیط زیست بوده و مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز در جهت ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی در جامعه است.

آلودگی آب‌ها، پراکندگی مراکز شهری و رشد جمعیت، کاهش تنوع زیستی، آلودگی شیمیایی، به‌هم‌ریخته شدن تعادل چرخه حیات، نابودی مراتع و جنگل‌ها، خشکسالی، جنگل‌زدایی و مصرف‌گرایی، همگی از جمله بحران‌هایی هستند که حیات بشر را در این زیست‌بوم تهدید می‌کنند. همچنین این بحران‌ها تبدیل به چالشی بزرگ برای دولت‌ها و ملت‌ها شده و آنها را درگیر ارائه راهکارهای اصولی و بنیادی برای حفاظت از آن کرده است. بر این اساس، مسئله حفاظت از محیط زیست و لزوم آموزش آن، به‌خصوص در دهه‌های اخیر موضوع بحث‌های بسیاری در مجامع علمی شده است؛ تا جایی که منجر به تدوین قوانین و مقررات زیست‌محیطی شده و این قوانین و راهبردها، همواره بخش مهمی از برنامه توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند.

امروزه، بحث در مورد اهمیت محیط زیست و ضرورت حفاظت از آن برای اکثر کشورهای جهان از جمله کشورهای جهان سوم امری انکارناپذیر است، چرا که در

گرو ارتباط و تعامل مناسب اخلاقی با محیط زیست است که می‌توان از آن حفاظت کرد. «بر اساس ماده ۶۰ و ۶۴ قانون برنامه چهارم توسعه، آموزش محیط زیست امری است که پرداختن به آن در تمامی واحدهای آموزشی مراکز آموزش عالی با تاکید بر گروه‌های تاثیرگذار و اولویت‌دار، برعهده دولت و سازمان محیط زیست است.» (آذری کهل، ۱۳۹۴: ۸)

همچنین با توجه به منشور ۱۵ ماده‌ای سیاست‌های مقام معظم رهبری و ابلاغیه‌های ایشان درباره ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی و رواج آموزش و آگاهی‌های مرتبط با آن برای کودکان، اهمیت و ضرورت این مسأله روشن‌تر می‌شود.

از آنجا که درگرو آموزش اصولی می‌توان به تغییر باورها، کنش‌ها، نگرش‌ها و نهادینه کردن این باورها در میان افراد جامعه دست یافت، در حال حاضر، نیازمند روش‌های جدید و نوین در حوزه آموزش محیط زیست هستیم.

حفاظت و اهمیت آموزش‌های زیست‌محیطی در ایران مطرح است اما تمامی این آموزش‌ها، اغلب به صورت آموزش‌های آکادمیک برای دانشجویان است. در بحث آموزش و تعامل با محیط زیست، کودکان کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند؛ در حالی که آنها میراث‌دار اصلی این زیست‌بوم هستند. ما در شرایط امروزی زندگی شهری به ارتباط مداوم و مستقیم کودک با طبیعت بی‌توجه بوده‌ایم و این غفلت برای آینده محیط زیست، می‌تواند بسیار گران تمام شود.

در این میان، همزمان با رویارویی بحران محیط زیست، یکی از نیازهای مبرم و مشکلات فراموش شده عصر ما، فراموشی نسلی زیست‌محیطی است و از آنجایی که فراموشی نسلی زیست‌محیطی، ریشه در کودکی دارد، می‌توان کودکی را نقطه شروع مناسبی برای آموزش و حل این مسئله دانست. (کان و کلرت، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

بهترین زمان برای تغییر نگرش‌ها و نهادینه کردن باورهای صحیح و آموزش‌های علمی و عملی در راستای حفاظت از محیط زیست، دوران کودکی است. قانون توجه این کتاب، کودکان در نظر گرفته شده است؛ کودکانی که طبیعت برای‌شان نوعی انتزاع شناخته می‌شود تا واقعیت و در چنین شرایطی باید به دنبال ایجاد نوعی پیوند میان کودک و طبیعت بود، یعنی بازیابی هویت اکولوژیکی در کودک.

امروزه کودکان از بحران‌های جهانی زیست‌محیطی به واسطه کتب درسی، مجلات، رسانه‌ها و... تا حدودی آگاه هستند اما ارتباط مستقیم کودک با طبیعت به طور عجیبی، گسسته شده است که این پدیده شکاف ارتباط کودک با طبیعت، به عنوان «اختلال فقر طبیعت» تعبیر می‌شود و به عبارتی پیامد بیگانه شدن انسان با طبیعت است. چرا که

انسان‌ها بخشی از طبیعت هستند اما فقط افراد اندکی در جامعه مدرن، این ارتباط را احساس و درک می‌کنند. بنابراین زمین به‌عنوان مادر برای بسیاری افراد غیرقابل درک است و طبیعت از طرف اکثریت مورد استثمار قرار می‌گیرد.

کودکان معاصر، به‌دنبال زندگی صنعتی و آپارتمانی و نبود دسترسی به محیط‌های طبیعی مخاطب درجه یک تلویزیون و رسانه‌های سایبری هستند؛ یعنی جدایی و شکاف بین کودک و طبیعت. بر این اساس ماهیت رابطه کودک با طبیعت و تغییرات در کمیت و کیفیت این رابطه در جوامع مدرن شهری، تحت سیطره و سلطه مباحث اقتصادی و سیاسی قرار گرفته که در پی آن، مصرف سرمایه‌داری و خوگرفتن کودکان به آن، همچنین وابستگی به رسانه‌های سایبری، موجب فقر زیستی و کاهش سهم سزاوار کودکان در تماس با دنیای طبیعت و محیط زیست شده است.

در چنین شرایط شکاف و محرومیت کودک از طبیعت، او نسبت به درخواست‌های حفظ گونه‌های در خطر و اکوسیستم‌های باارزش و مقابله با تهدیدهای زیست‌محیطی چه واکنشی خواهد داشت؟ در این فضای بیگانگی کودک با طبیعت، حجم روزافزون یافته‌ها و پژوهش‌ها از ضرورت ارتباط کودک با طبیعت به‌منظور حفظ سلامت روانی و جسمانی او خبر می‌دهد.

در این میان، در راستای رویارویی با بحران محیط زیست - که یکی از بحران‌های بنیادی در جهان معاصر است و به دغدغه‌ای برای انسان امروز تبدیل شده است - هنر به‌نوبه خود واکنشی نسبت به این مساله نشان داده و هنر محیطی پا گرفت که تا امروز از روند رو به رشدی برخوردار بوده است. هنر محیطی نوعی ارائه اثر در دل طبیعت و به‌منظور ارتباط مستقیم و گسترده با مخاطب عام و توجه بیشتر به محیط زیست، همچنین حفظ، صیانت و پیوند مجدد انسان با طبیعت است که ریشه در تحولات و جریان‌های صنعتی دوران معاصر دارد.

به‌عبارتی بحران محیط زیست، بسیاری از هنرمندان را به‌عنوان مدافعان طبیعت وارد عمل کرده و هنر محیطی ابزار مناسبی در جهت آموزش‌های زیست‌محیطی برای کودکان در نظر گرفته شده است؛ هنری که دغدغه اصلی‌اش پرداختن به مسائل زیست‌محیطی و ایجاد الگو و حفاظت و صیانت از آن است، چرا که مهم‌ترین ویژگی آن ارتباط مستقیم و آسان با مخاطب بوده و همواره، پیوستگی کاملی با محیط زیست دارد که برای مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی بسیار کارآمد است.

اکنون محیط زیست نه‌تنها به‌عنوان موضوع آثار هنری، بلکه به‌مثابه فضائی برای خلق و ارائه اثر مطرح می‌شود و با هنر در آمیخته است. هنر با دستور زبان خاص، امکان کشف در بیان آزادی مفاهیم و حقایقی را دارد که با کلام قابل انتقال نیست،

پس در اینجا هنر وسیله‌ای است برای غلبه بر محدودیت‌های انتقال مفاهیم از طریق واژگان. همچنین ابزار مناسبی است برای کودکان تا موانع زبانی‌شان از مفاهیم و انباشته‌های ذهنی آنها را برطرف و کلام آنها را بیان کند.

به واسطه هنر محیطی می‌توان هنر، فرهنگ و شرایط زیست‌محیطی را دید و هنرمند محیطی در برابر بحران‌های زیست‌محیطی، به‌عنوان مدافعی نسبت به طبیعت وارد صحنه شده است که با ارائه اثر مفهومی سعی در تکریم طبیعت و توجه و حفظ محیط زیست را دارد. همچنین تلاش می‌کند تا به‌واسطه خلق اثری هنری و مفهومی و در عین حال هشداردهنده، همراه با تذکراهایی در جهت بهبود تعامل با محیط زیست گامی بردارد که در یک گستره جهانی این ضرورت و پاسخ به آن به‌وضوح دیده می‌شود. هدف اصلی هنر محیطی، پرداختن به مسائل زیست‌محیطی و بازمایی روابط میان انسان، هنر، اجتماع و محیط اطراف او و ارائه راهکارهایی خلاق برای هم‌زیستی و بهبود رابطه مخاطب با محیط اطرافش است. این جریان هنری با توجه به ماهیتش - یعنی ارتباط آسان و مستقیم با مخاطب - پتانسیل تبدیل شدن به ابزاری هنری با اهداف آموزش و یادگیری را دارد.

در حال حاضر، یکی از پاسخ‌های ممکن در برابر بحران شکاف رابطه و نبود تعامل بین محیط زیست با کودکان، شروع فعالیت «مدارس طبیعت» در سراسر دنیا است که این مدارس، نظام آموزش و پرورش را در آستانه تحول عمده‌ای قرار داده و البته در ایران تا حدودی نوپا است. هدف اصلی این مدارس، پرورش افرادی سالم، پراگیزه، دوستدار طبیعت و در عین حال توجه به رشد جامع کودکان و آشنا کردن آنها با مسائل محیط زیستی است. در واقع هدف نهایی این مدارس، بازمایی روابط میان کودک با اجتماع و محیط زیست اطراف او و اجرای روش‌های خلاقانه یادگیری در راستای حفظ محیط زیست است.

این مدارس، ذهن کودکان را نسبت به چالش‌های زیست‌محیطی بیدار می‌کند و ایده اصلی آنها بر این حقیقت استوار است که با مهیا کردن لوازم و شرایط ارتباط کودکان با طبیعت، شاهد بالارفتن توانایی، رشد مهارت‌های اجتماعی، رشد خلاقیت و تکامل مغزی در کودک خواهیم بود که نتیجه این رشد استعدادی کودک، بالا رفتن سازگاری و هوش اجتماعی در او می‌شود. درواقع، می‌توان این مدارس را بستری مناسب برای آموزش‌های زیست‌محیطی برای کودکان دانست و فضایی مملو از محرک‌های حسی، هیجانی و عاطفی در جهت تعامل عمیق و سازنده کودک با طبیعت ایجاد کرد.

این مدارس ابتدا در کشورهای اروپایی، شروع به فعالیت کرده و در دهه اخیر در

ایران به عنوان نخستین کشور در خاورمیانه، با الگوگیری از کشورهای اروپایی، اقدام به تأسیس این نوع مدارس کرده است.

فعالیت مدارس زیست محیطی و طبیعت - که در حال حاضر، یکی از اقدامات در جهت آموزش های زیست محیطی برای کودکان است - در ایران، توسط یکی از نام آشناترین چهره های محیط زیست کشور، «دکتر عبدالحسین وهاب زاده» راه اندازی شد. الگوی این مدارس ابتدا در کشورهای اروپایی و پیشرو بوده و ایشان با الگوگیری و بومی سازی این مدارس توانست، نخستین مدرسه طبیعت را در ایران در شهر یور ۱۳۹۳ در مشهد به نام مدرسه طبیعت «کاوی کنج» راه اندازی کند. اکنون شاهد ۷۲ واحد از این مدارس در نقاط مختلف کشور هستیم.

در نهایت باید در برابر معضل و بحران محیط زیستی در راستای آموزش و یادگیری تاثیرگذار با رویکرد زیست محیطی، به مدد هنر به دنبال راهکارها و بسترهایی نو، موثر و خلاق باشیم.

کار هنرمند محیطی این است که بتواند از دریچه هنر محیطی و زبان و بیان هنری آن، در جهت ایجاد این تعامل و آموزش بهره جوید و از آنجایی که کشورهای پیشرو در این زمینه تجربه فعالیت طولانی تری دارند، نیازمند هستیم با بهره گیری و الگوسازی از استانداردهای بین المللی آموزش زیست محیطی بر پایه هنر برای کودکان، به تجربه این کشورها استناد کنیم تا بتوانیم با الگوسازی و بومی کردن تجارب آنان از مدلی با قابلیت اجرایی مطابق با شرایط فرهنگی بهره گیریم.

در بحث سیاست آموزش های زیست محیطی، باید پذیرفت که این مسئله بدون حد و مرز است؛ اگرچه مرزهای سیاسی عاملی متداول برای جدایی کشورها است اما بحث محیط زیست و ضرورت آموزش و حفاظت از آن، مرزی برای کشورها قائل نشده و باید به صورت جهانی به آن نگریست و مطابق شرایط بومی، از آن بهره برد؛ براساس شعار پست مدرنیستی که می گوید: «جهانی بیندیش و بومی عمل کن» شایسته است در پیشگفتار به روند سلسله گفتارهای این کتاب اشاره ای کوتاه شود تا خواننده در نخستین صفحات، به نموداری از مطالب و گفته ها به شکلی توصیفی دسترسی پیدا کند.

کتاب حاضر به بررسی و پیگیری راهکارهای آموزش و تعامل با محیط زیست به کودکان از طریق هنر محیطی می پردازد. در ابتدا، به اهمیت ارتباط و پیوند کودک با طبیعت و تأثیر بی بدیل آن بر کودکان پرداخته می شود. سپس به تبیین هنر محیطی، ابعاد، اهمیت و به کارگیری آن در جهت آموزش مسائل زیست محیطی برای کودکان در بستری مناسب می پردازد و در کنار آن به معرفی مدارس طبیعت در ایران و نمونه های

پیشگام آن خارج از ایران پرداخته می‌شود.

در ادامه، به بررسی الگوهای آموزشی زیست‌محیطی بر پایه هنر به تجربه کشور فنلاند - که به‌عنوان یکی از موفق‌ترین کشورها شناخته شده است - می‌پردازد. در این کتاب، سعی بر این است تا با ارائه مدلی با قابلیت اجرایی در ایران از تجربه‌های آموزش زیست‌محیطی بر پایه هنر برای کودکان، در مدارس طبیعت‌مان‌الگوگیری کرد. بدیهی است که تجارب و یافته‌های علمی و پژوهشی جوامع پیشرفته می‌تواند به‌عنوان ابزارهای قوی و زمینه‌ساز در اختیار جوامع در حال پیشرفت قرار گرفته و از دوباره‌کاری و صرف هزینه‌های گزاف جلوگیری کند؛ مواردی که فشار اقتصادی مضاعفی بر جوامع در حال توسعه تحمیل می‌کند.

این کتاب با نگاهی انتقادی به بررسی این مسئله پرداخته و استدلال می‌کند که چگونه عملیات پرورش حساسیت زیست‌محیطی، خلاقیت و تخیل از طریق هنر محیطی، می‌تواند به کودکان در گفت‌وگو با طبیعت و فرهنگی کمک کند که در ساختن یک هویت اکولوژیکی، موثر واقع می‌شود. همچنین درصدد درک میزان اهمیت و ضرورت تعامل کودکان با طبیعت و لزوم آشنایی آنان با مسائل زیست‌محیطی و عدم توجه ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط و ارائه راهکارها، پیشنهادها و مدل اجرایی آموزش‌های زیست‌محیطی از دریچه هنر محیطی با الگوگیری از تجربیات کشور فنلاند، برای کودکان در کشور است. چراکه فنلاند یکی از شناخته‌شده‌ترین و فعال‌ترین سیستم‌های آموزشی دنیا بوده که در چند دهه اخیر به‌صورت جدی در حوزه کودک و آموزش محیط زیست به مطالعه و بررسی و در نهایت اجرا پرداخته است.

بنابراین، در این کتاب سعی بر این است که با تکیه بر تجربیات کشورهای پیشرو و پیشگام در این زمینه، مانند فنلاند، آموزش‌های زیست‌محیطی بر پایه هنر را الگوگیری کرده و با ارائه مدل مناسب و متناسب با شرایط فرهنگی و زیستی و امکانات موجود با قابلیت اجرایی در کشور، استفاده کرد. بی‌شک، بهبود تعامل کودکان با محیط زیست، کمک به رفع بحران و مشکل فراموشی نسلی زیست‌محیطی، بهره‌گیری از امکانات و جهت‌دهی هنرهای مرتبط با محیط (هنر محیطی) و به‌منظور افزایش نگرش‌های زیست‌محیطی در کودکان از مهم‌ترین اهداف نگارش این کتاب است. باید اعتراف کرد که بسیاری از شیوه‌های آموزشی هنر زیست‌محیطی که در سطح بین‌المللی به کار می‌رود در کشور قابل اجرا است، مشروط بر اینکه با شرایط اجرائی، زیستی، اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و ارزش‌های ملی و مذهبی و قوانین موجود سازگار باشد.